



بردگی

پاسخ به پرسش دوستی در تلگرام (متن پرسش در انتها)

دوست عزیز . هر وقت ما کاری را به اراده ، علاقه و به خاطر مصالح خود یا افراد و اهداف مورد نظر خودمان انجام میدهیم یعنی ما آزاد هستیم . اما هر وقت ما کاری را خارج از اراده ، علاقه و مصالح خود یا افراد و اهداف مورد نظر خودمان و برای اهداف دیگران انجام میدهیم ، ما برده هستیم . اما بشر در طول تاریخ خود انواع مختلفی از برده داری را تجربه کرده است . نوع اولیه و شاخص آن برده داری در زمانهای قدیم بود که برده ها شامل مردم سرزمین های اشغال شده و یا نژاد های خاصی بودند که برای کارهای اجباری و سخت و بدون هیچگونه حقی بکار گرفته میشدند . کسی که برده ای را خریده بود و یا با شرایطی بدست آورده بود ، مالک آن بود و میتوانست هر کاری با او بکند حتی بکشد . (از جمله برای آزمایش شمشیر هایی که به بزرگان هدیه میشد !) برده ها برای کارهای سخت و یا کثیف

استفاده میشدند ، نظافت بدن اعیان و اشراف پس از دستشویی و بردن فضولات آنها به بیرون (توالتی وجود نداشت) با بردگان بود . آنها در شرایط بسیار بدی نگهداری میشدند و در صورت بیماری نیز کشته میشدند . و سرانجام اینکه برده های آن دوران شب و روز در فکر فرار بودند . اما این نوع برده داری چند قرنی است که کمرنگ و بعد از اعلامیه ی جهانی حقوق بشر در برخی کشورها دست کم رسماً ممنوع شده است . اما این روش برده داری کم کم متحول شد ! اما واقعیت درون آن همچنان باقی مانده است .

برده های قدیم را با شلاق بیدار میکردند اما برده های امروزی خودشان ساعت کوک میکنند که دیر به خدمت اربابان نرسند ! و در کارگاهها و کارخانه هایی کار میکنند که برایشان انواع دستبندها و پابندها را میسازند ! اما از طرفی برده های امروزی، (نه الزاماً همه و در همه جا) هم خوب میخورند و هم خوب میپوشند و از بهترین ساخته ها و تولیدات صنایع روزی که در آنها فعالیت میکنند نیز استفاده میکنند و سرانجام در ازای کارشان مزد خوبی هم میگیرند زیرا اربابانشان از فروش همین اغذیه و پوشاک و وسایل است که بر ثروت و قدرتشان افزوده میشود . همچنین بر خلاف برده های دیروز که همواره در فکر فرار بودند و با وجود مجازات مرگ گاه اربابان خود را هم به هلاکت میرساندند ، نگرانی برده های امروزی اخراج شدن توسط مالکان میباشد . برده های امروزی نگران اقساط خانه و اتوموبیل و ویلا هایشان ، نگران ندیدن کنسرت

خوانندگان محبوبشان و یا ندیدن سریالهای تلویزیون هستند .

خوب حالا خواهید پرسید که " چه خوشبختی از این بهتر؟! همه مرفه و به دنبال رفاه بیشتر و همه ی امکانات هم برای رسیدنشان به این رفاه در دسترس " هم اربابان شاد و هم بردگان . این کجایش اشکال دارد؟ اما این ظاهر ماجراست و اشکال اینجاست که درست مانند یکی از داستانهای کارتون معروف پینو کیو که شخصی بچه ها را به یک شهر بازی بزرگ میبرد تا آنجا هر نوع بازی که دلشان میخواهد بکنند و هر چه میخواهند بخورند اما پس از مدتی بچه های احمق شده به خرهایی تبدیل شده و فروخته میشدند ، در نوعی از برده داری مدرن نیز اربابان ، همه ی امکانات را در اختیار بردگان خود میگذارند ، اما برای آنکه یا آنها را بفروشند و یا دهها برابر بیش از آنچه به آنها میدهند ، خود برداشت کنند .

در این شهر بازی جادویی همه ی این بردگان خوشبخت که به خیال خود از پله های ترقی بالا رفته و با هر آرزویی که باز میکنند ، دو آرزوی دیگر برنده میشوند ، بازندگانی بزرگ بیش نیستند ، چرا که آنها خوابشان را میفروشند تا اتاق خواب بخرند !! و این ابلهانه ترین معامله ی ممکن برای یک انسان میباشد . برده های امروزی غرق در آرزوهای خود هستند ، آرزوی داشتن هزاران وسیله ی جدیدی که هر روز به بازار می آید و این بردگان برای به دست آوردن آنها ناچار به هر کاری تن میدهند و یا به گفته ی عامیانه به هر سازی میرقصند

! و سرانجام هم مانند آن داستان کوتاه سیلواستر استاین که در مجموعه ی جنگ سخن آورده بودم در میان انبوه آرزوهای باز نشده شان میمیرند تا عده ی کمتر دیگری پاکت آرزوهای بزرگتر و بیشترشان را باز کرده و آرزوهای کوچک بیشتری برای بردگان جدیدشان تولید کنند و این دایره ی خطرناک همچنان ادامه میابد تا زمانیکه احتمالاً یکی از این دو حالت اتفاق بیفتد :

یک - تضاد طبقاتی در جهان بقدری شدید میشود که انفجار اجتناب ناپذیر حاصل از آن ، نه از تاک اثری باقی گذارد و نه از تاک نشان

و در حالت دوم نیز اربابان کم کم با در اختیار گرفتن فناوریهای جادویی حاصل از کار گروهی از بردگان خود یعنی برخی دانشمندان و متخصصان ! به چنان قدرت و امکاناتی دست میابند که دیگر به هیچ برده ای هم نیاز نداشته و جهان بماند و معدودی اربابان با قدرتها و امکانات خارق العاده و بی نیاز به اکثریت آن بردگان خوشبخت دیروز . فراموش نکنیم که سیاره ی زمین فقط میتواند به تعداد معدودی جمعیت ، غذا و امکانات زیستی بدهد و با افزایش جمعیت و کاهش امکانات و مطابق یک قانون بیولوژیکی رقابت و مرگ موجودات ضعیف تر و اضافه شروع خواهد شد . و حوادث جهان ما به خوبی نشان میدهد که فاصله ی طبقاتی برخی جوامع با جوامعی دیگر به صورت تصاعدی در حال افزایش میباشد . جوامع مرفه با استفاده از قدرت های اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و به مدد فناوریهای پیشرفته ی حاصل از کار گروهی از همان بردگان ! و با فاصله گرفتن از

اصول اخلاقی و انسانی و حتی عقلانی ، ضمن جذب و مصرف سرمایه های انسانی و منابع طبیعی ی جوامع ضعیف و در گیرکردن آن جوامع در فقر و جهل و جنگهای ابلهانه ی شکستن تخم مرغ از سر باریک یا پهن ! به تدریج کنترل جهان را آن هم با جمعیتی متعادل و مرفه از همقطاران خود به دست خواهند گرفت . البته تضاد طبقاتی درون خود این جوامع نیز همواره در جریان بوده و طبقات ضعیفتر خود را به تدریج حذف کرده و طبقه ی کم جمعیت اما با قدرت و امکانات بیشتری را ایجاد میکنند .

اینک به نظر میرسد جهان کم کم دارد مستعد وقوع یکی از دو حالت ذکر شده میشود و البته نه الزاما ، چرا که همواره میتواند اتفاقاتی رخ دهد که قابل پیش بینی نباشند . از جمله آگاهی اکثریت مردم جهان به این حقیقت که زندگی ی بس کوتاه آنها در نقطه ی بینهایت ناچیزی از جهان هستی تنها در پرتو دست یابی به ویژگی های خردمندان و انسانی و در خوشبختی تمامی انسانها میتواند تحقق و معنی پیدا کند ، چرا که به گفته ی آن جمله ی زیبا و با ارزش که متاسفانه گوینده اش را نمیشناسم و در مجموعه ی جنگ سخن و کویر هم آوردم ، " خوشبختی مانند تلفن است و اگر همه نداشته باشند به هیچ دردی نمیخورد "

و در پایان سخن ، خوشبختانه روزنه های امیدواری به چنین حالتی یعنی رسیدن به جامعه ای انسانی نیز اگرچه با سرعتی اندک اما در حال افزایش میباشد . زیرا در پرتو همین فناوری هایی که اکنون بیشتر در جهت حفاظت

و رفاه طبقه ی خاصی از مردم جهان بکار میروند تا در جهت حفاظت و رفاه عموم انسانها و نیز ساکنان دیگر این سیاره ، آری در پرتو همین فناوریهای بویژه ارتباطی امروزی و نقش آنها در تبادل افکار ، اطلاعات و تجارب بشری در زمینه های مختلف و در بین مردم جهان ، خوشبختانه هر روز به تعداد انسانهایی که زنجیرهای گوناگون بردگی خود را پاره میکنند نیز افزوده میشوند.

مظفر شریعتی

مهر 402

تذکر : در زمینه ی بردگی از طریق رسانه ها قبلا در تلگرام به این دوست عزیز پاسخ داده شده بود که در انتها مجددا در این متن نیز آورده میشود . همچنین نوشته ی رونالدو که آغاز گر این مباحثات با دوستان عزیز شد .

www.shariaty.com

کانال تلگرام افسانه ی هستی

<https://t.me/mozaffarshariaty>

Youtube : shariatymozaffar
<https://www.youtube.com/@shariatymozaffar/videos>

Instagram :mozaffar.shariaty
<http://www.instagram.com/mozaffar.shariaty>

Facebook : shariaty.mozaffar
<https://www.facebook.com/shariaty.mozaffar>

Twitter : shariaty
<http://www.twitter.com/shariaty>

E.mail : shariaty.com@gmail.com

9:58 PM سوالی که پیش میاد اینه:

اگه ما از این شبکه ها همانگونه که صاحبانشان میگن استفاده کنیم و بقول شما برده اونا بشیم دقیقا چه ضرری میبینیم؟ تو این دنیا چی از دست میدیم؟
edited 10:00 PM

مثلا ایا این دنیا چیز خاصی داره که اگه از شبکه های اجتماعی بصورت افراط گونه استفاده کنیم از دستش خواهیم داد؟ اگه اره اون چیه؟
10:01 PM

در پاسخ سوال اول باید بگم که اگر انسان در این دنیا برده ی هر چیز یا کسی بشود ، بزرگترین چیزی که از دست میدهد همان انسان بودنش هست . ما میتوانیم برده های خوشبختی باشیم ، همچنانکه بسیاری از ما هستیم و زنجیرهای اسارت و بردگی خود را نیز دوست داشته وحتی ستایش کنیم . اما اگر لذت یک روز انسان و آزاد بودن را بچشیم ، به نظر من هرگز به هیچ بندگی و زندگی غیر انسانی تن در نمیدهیم . و در مورد سوال دوم ، البته استفاده ی زیاد و افراط گونه از هر چیزی مضر است ، اما اصلا منظور من در این نوشته استفاده ی زیاد و حتی افراطی از رسانه ها و شبکه های اجتماعی نبود و نیست ، بلکه منظور من استفاده ی آگاهانه از آنهاست و اسیر و بازیچه ی آنها نشدن . یعنی این شما باشی که از این رسانه ها و شبکه ها برای ارتقا اطلاعات درست خود و یا تشخیص اطلاعات نادرست استفاده کنی و نه آنها از شما و فقط برای یکطرفه ی خود . این شبکه ها و رسانه ها وقتی مفید هستند که آرزوی من این است ، که باعث تبادل افکار و نظرات و اخبار و اطلاعات بشوند که نتیجه اش ارتقای دانش و فرهنگ انسانها خواهد شد . اما اگر به صورت طنابهایی در آیند که بر دست و پا و افکار ما بسته شده و ما را چون عروسکهای خیمه شب بازی و در جهت بازیهای مورد نظر خود به حرکت در آورند نتیجه اش همان بردگی خواهد بود که بیان کردم . و حتی اگر ما را به برده های خندانی هم تبدیل کنند باز هم بردگی است و از دیدگاه من نامطلوب .
edited 10:36 PM ✓

میشه یه مثالی از بردگی بزئید تا درست متوجه بشیم؟ و اینم اگه ممکنه توضیح بدید که چرا این مثالون چیز بدیه
11:13 PM

در ارتباط با نوشته ی اخیر در مورد رونالدو و تاثیر رسانه ها و تبلیغات در فرهنگ سازی و ... و نیز پرسش دوست عزیز در انتشار قبلی ، ممکن است برای برخی دوستان این پرسش پیش آید که مگر

میتوان خانه ، تلویزیون ، تلفن ، یخچال و خرید چون رسانه ها آنها را تبلیغ میکنند ؟ ! و یا برای کسب اطلاعات و یا داشتن ارتباطات مورد نیاز به آنها مراجعه نکرد ؟ پاسخ قطعاً منفی است یعنی نه تنها نمیتوان که باید ، هم برخی کالاها را خرید و هم کمک کرد تا همه بتوانند بخرند . بسیاری از کالاهای دیگر هم به همین صورت میباشند و قطعاً در مسیر تولید و مصرف این کالاها نیز چرخ های علمی و اقتصادی جوامع نیز به گردش در خواهند آمد . استفاده از شبکه های اجتماعی و رسانه های بزرگ نیز برای کسب اطلاعات اجتناب ناپذیر است . اما مشکلی که من از آن یاد کردم جنبه های خطرناک مصرف گرایی بیمار مانند وی بی حد و مرزی است که در کنار فرهنگ سازی های خاص در رسانه ها گسترش داده میشود . وقتی ما شخصا و یا در کنار خانواده و دوستان به تماشای یک فیلم یا مجموعه ی تلویزیونی مینشینیم ، به صورت بسیار هوشمندانه و حساب شده ای هدف القای افکار ، رفتار و کردار ، و نیز کسب تمایل استفاده از لوازم در معرض دید میثویم . بازیگر محبوبمان وارد خانه میشود ، لباس خاصی پوشیده ، آرایش خاصی کرده ، در یخچال خاصی را باز کرده و نوشابه ای خارج کرده ، بسته ی چپسی برداشته ، روی کاناپه ای مینشیند ، تلویزیون بزرگی را روشن کرده و تک تک این صحنه ها و رفتارهایی که کاملاً حساب شده در کنار هم قرار گرفته اند در کنار داستاناتها و صحبت هایی که با اهداف خاصی نیز تهیه شده اند ، همه و همه بیننده را به کانالهای فکری و

رفتاری و سلیقه ای خاصی هدایت میکند که هدف اصلی تهیه کنندگان و مالکان رسانه هاست و فراموش هم نکنیم که صنایع سینمایی و رسانه ای ی بزرگ و پر مخاطب با امکانات عظیم فنی و مالی صاحبان قدرتهای اقتصادی و سیاسی اداره میشوند و نه توسط امکانات محدود چند نیکوکار . بنابراین وقتی ما جلوی این پرده های جادویی مینشینیم ، کم کم سلیقه ها و افکار و عقاید و در یک کلام فرهنگمان در همه ی زمینه ها مطابق سلیقه ی این رسانه ها تغییر میکند ، گاه در جهت درست و منطقی و مطابق با نیاز زمانه ای که در آن هستیم و گاه نیز در خلاف این جهات و مطابق نیاز آنها که به همکاری و همیاری مالی و فرهنگی ما در حفظ قدرتشان نیاز دارند . و انتخابی که ما در این میان میکنیم سرنوشت ما و جامعه مان را رقم خواهد زد . از طرف دیگر بسیاری از این رسانه ها با فیلم ها و سریالها و اخبار نادرست ، دنیاهایی غیر واقعی از آنچه پیرامون ما قرار دارد در ذهن ما ایجاد میکنند . مخاطبانی که به جای علم ، شبه علم را از فیلمهای علمی تخیلی و یا مستند نما ، به جای هنر ، فناوری را آن هم از فقط چند روزنه ی محدود و تجربه شان از حوادث زندگی را از سریالهای تلویزیونی می آموزند ! جز در دنیایی غیر واقعی و متوهم بسر نخواهند برد که سودش تنها نصیب سیاست گذاران آن رسانه ها خواهد شد . و شور بختانه با توجه به آنچه در سطح جهان مشاهده میشود ، گروه زیادی از ما به افرادی متوهم در چنین دنیاهایی و با بیماری خطرناک مصرف تبدیل شده ایم

، ابتدا به حق مسلم خود برای یک خانه ی ساده ، یخچال ، تلویزیون و گوشی ساده و . . . قناعت میکنیم اما کم کم به دلیل تاثیر گرفتن از همین رسانه ها و فیلم ها و سریالهائیش ، رتبه ی اجتماعی مان ، به بها ، مدل و برند این لوازم و لوازم جانبی و تکمیلی آنها نیز متصل میشود و برای بدست آوردنشان ناچار بخشهایی از وجودمان را خواهیم فروخت و کم کم علاقه به حفظ و نگهداری آنچه داریم و آنچه میخواهیم که در این دنیای متوهم خود داشته باشیم و انتهای نیز برای آن وجود ندارد ، ما را به افرادی محافظه کار تبدیل میکند که حاضر به مواجهه شدن با هیچ خطری که داشته هایمان را تهدید کند نبوده و برعکس به هر عملی برای حفظ و افزایش آنها نیز دست میزنیم .

بنابراین داشتن حداقل وسایل و امکانات ضروری برای زندگی در شرایط کنونی جهان بویژه امکانات ارتباطی ، حق مسلم و برای همه است ، اما دچار شدن به سرطان مصرف و تبدیل شدن به بردگان ذهنی و سلیقه ای رسانه ها پدیده ای مرگبار خواهد بود .

رونالدو آینه ای برای عبرت !

من شخصا نه از فوتبال چیزی سرم میشود و نه تقریبا از هیچ بازی دیگری . بازی با توپ برای من پس از دوران کودکی تمام شد . اما تقریبا اکثر دور و بری ها و دوستان و آشنایانم از علاقمندان آن هستند ! و در روزهایی که بازیهای مهمی از تلویزیون پخش میشود

همه ی این دوستان خانه نشین میشوند اما من از این فرصت طلایی خلوت شدن شهر استفاده میکنم و اگر رفت و آمدی در شهر داشته باشم در آن ساعات انجام میدهم . اما وقتی اکثریت یک جامعه تحت تاثیر تبلیغات تقریبا تمامی رسانهای جهان ، خط و سوی فکری و فرهنگی مشخصی پیدا میکنند ، به هیچ روی جای تعجب ندارد که موج موج افراد محروم و ضعیف نگاه داشته شده ای که متاسفانه زنجیرهای اسارت فکری ، فرهنگی و اقتصادی خود را نیز میپرستند ! برای تماشای بازی کن ، هنرپیشه یا خواننده ای که برای بازی با توپ ، بدن و یا صدایش ، میلیارد میلیارد پول میگیرد چنین از سر و کول یکدیگر بالا بروند ، پیر زنی که شاید به داروی روزانه اش محتاج باشد می آید تا شاید فقط ببیند که این قهرمان کیست و ثروتمندی نیز از چند شب قبل اتاق شبی چند صد میلیون تومانی را در هتل اقامت او اجاره میکند تا شاید فرزندش بتواند لحظه ای بازیکن محبوب خود را که سه طبقه از همین هتل را در اجاره دارد ببیند . فرزندى که بزرگترین آرزویش نیز تبدیل شدن به بازیکنى مشابه است . اما نه آن پیر زن چیزى از نام متخصصى که داروى بیماری اش را ساخته میداند و نه آن کودک و پدرش چیزى از کسانى میدانند که برای نجات زندگى جسمى و ذهنى انسانها یی از جمله خود آنها و حتى تمامی حیات این سیاره از جان خود نیز گذشته اند . اما رونالدو ثروتمند است ، با یکی از چند هواپیمای شخصی اش آمده است ، برای عکس گرفتن با هر چیزى از لباس و کفش و لیوان آب خورى و یا عبور از

هر کوی خیابانی ، پولهای هنگفتی میگیرد تا بتواند هم چیز های گران تری برای خودش بخرد و هم عده ی بیشتری را به خرید کالاهای مشخصی تشویق کند که رسانه های جهان تبلیغ میکنند . رسانه هایی که قادر هستند هر سلیقه ی مصرف و هر طرز فکر و فرهنگی را به مخاطبان خود القا کنند . مخاطبانی که خود پیچ تلویزیونهایشان را روشن کرده و زنجیرهای اسارت فکری و فرهنگی القا شده تحت تاثیر انواع جلوهای ویژه و ترفندهای تصویری و در قالب فیلم و سریال و مسابفه و سرگرمی ، را بر گردن خود انداخته و به داشتن آنها مباحثات نیز میکنند ! در مورد قدرت رسانه ها قبلا هم در نوشته ها و ویدیو هایی اشاراتی کرده ام . دوران جوانی من همزمان بود با اوج تبلیغ سیگار ! تقریبا هیچ فیلمی را نمیدیدید که هنرپیشه هایش ژست خاصی برای سیگار کشیدن هایی که در طول فیلم نیز ادامه داشت نداشته باشند . تاثیر این تبلیغات به حدی بود که آرزوی ما بچه ها در مدارس آن دوران این بود که وقتی بزرگ شویم مانند فلان هنرپیشه سیگار بکشیم !! آری رسانه ها چنین قدرتی دارند !! آنها سلايق غذایی ، پوشاکي و حتی جنسي و عقيدتي ما را تعيين میکنند !! مطالعات روان شناختي بسياري نشان داده است که انسانها بدون هیچ دلیلی رفتار یکدیگر را تقلید میکنند و پس از مدتی آن رفتار بدون هیچ دلیلی رفتار ، سلیقه ، فکر ، فرهنگ و یا عقیده ی پایه ی مردم یک اجتماع میشود! امری که در دوران گذشته قرن ها طول میکشید ، اما در زمان ما رسانه ها در تنها چند سال میتوانند سلیقه ، فکر ، فرهنگ و رفتار ما را آنگونه

که می‌خواهند شکل داده و تغییر دهند و فعلا هم که مردم جهان در تکاملی از تماشای جنگ گلا دیاتور ها و بردگان در کلوزیوم های چند ده هزار نفری ، به تماشای توپ بازی ها و یا انواع شوهای مهیج با پیشرفته ترین فناوریهای صوتی و تصویری روی آورده اند ، که به مدد فناوریهای روز با امکان حرکت آرام و تماشا از زوایای مختلف بر پرده ی بزرگ تلویزیون های k4 و یا گوشی های همراه ما نیز قابل مشاهده شده است . تا ما یاد بگیریم که به چه چیزهایی برای خرید نیاز داریم ، چگونه باید لباس بپوشیم یا موی سرمان را با بیشتر از ویزیت یک پزشک متخصص آرایش کنیم ! چگونه باید شادی کنیم یا چرا غمگین شویم ، و . . . !! و اگر به نان شب و داروی روزمان هم نیازمندیم ، اما برای دیدن یک بازی کن ثروتمند که خوب با توپ بازی میکند از سر و کول هم بالا برویم !!!!!